



## علل ناکامی ایران در اقتصاد اقلیم عراق در مقایسه با ترکیه

علی شیاری<sup>۱</sup>، ولید علاوی اسماعیل الحلبوسی<sup>۲</sup>

۳۵

### چکیده

در سال‌های اخیر روابط اقتصادی و سیاسی اقلیم کردستان عراق با کشورهای همسایه و منطقه‌ای، به‌ویژه ترکیه و ایران، روندی پیچیده و چندوجهی پیدا کرده است. این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی علل ناکامی ایران در نفوذ اقتصادی در اقلیم کردستان عراق در مقایسه با موفقیت ترکیه پرداخته است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که ترکیه با اتخاذ رویکرد اقتصادمحور، سرمایه‌گذاری مستقیم در زیرساخت‌ها و انرژی، انعقاد قراردادهای تجاری و نفتی و دیپلماسی فعال با مقامات محلی اقلیم توانسته جایگاه اقتصادی و سیاسی پایدار و اثرگذاری در این منطقه کسب کند. در مقابل، ایران با تمرکز بر سیاست امنیتی، محدودیت در تعامل مستقیم با مقامات اقلیم و ضعف بخش خصوصی در بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی نتوانسته نقش مؤثری در این منطقه ایفا کند. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت رویکردها، تمرکز بر اهداف اقتصادی و دیپلماسی فعال، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان نفوذ و اثرگذاری کشورها در مناطق خودمختار دارد. این مطالعه پیشنهاد می‌کند که ایران برای تقویت نفوذ اقتصادی و سیاسی خود در شمال عراق، لازم است سیاست‌های ترکیبی اقتصادمحور و دیپلماسی فعال را در دستور کار قرار دهد.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، ترکیه، اقلیم کردستان عراق، نفوذ اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی، سرمایه‌گذاری، سیاست منطقه‌ای.

دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۳۶

بهار ۱۴۰۵

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۳/۱۶

صص: ۱۵۱-۱۲۹

شابا چاپ: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. استادیار گروه آموزشی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

روابط سیاسی و اقتصادی اقلیم کردستان عراق و ترکیه در سال‌های اخیر با شتابی فزاینده گسترش یافته و به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های معادلات اقتصاد سیاسی منطقه خاورمیانه تبدیل شده است. ترکیه که در دهه‌های گذشته رویکردی سخت‌گیرانه و بعضاً تقابلی نسبت به مسئله کردها و موجودیت اقلیم کردستان عراق اتخاذ می‌کرد، در سال‌های اخیر با اتخاذ سیاستی عمل‌گرایانه و اقتصادمحور، تلاش کرده است نفوذ خود را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، انرژی و امنیتی در این منطقه تعمیق بخشد. این تغییر رویکرد نه تنها از سوی آنکارا، بلکه از جانب اقلیم کردستان عراق نیز با استقبال قابل توجهی مواجه شده و زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی همگرایی راهبردی میان طرفین شده است. در این میان، وجود مؤلفه‌های متعددی همچون مرزهای مشترک، پیوندهای قومی و مذهبی، اهمیت ژئوپلیتیکی مسئله کردها، ظرفیت‌های گسترده انرژی، فرصت‌های اقتصادی و نقش راهبردی حمل‌ونقل منطقه‌ای، بستر مناسبی برای گسترش روابط میان ایران، ترکیه و اقلیم کردستان عراق فراهم کرده است. با این حال، هم‌زمان عوامل و متغیرهای منفی و بازدارنده‌ای نظیر تحولات بحران سوریه، فعالیت احزاب و گروه‌هایی مانند پ.ک.ک، نزدیکی سیاسی و امنیتی ترکیه و اقلیم کردستان عراق به ایالات متحده آمریکا، نفوذ رژیم صهیونیستی در معادلات منطقه‌ای، و همچنین گرایش‌های استقلال‌طلبانه کردهای عراق، تأثیرات قابل توجهی بر الگوی روابط ایران با ترکیه و اقلیم کردستان عراق برجای گذاشته‌اند.

در چنین فضایی، علی‌رغم برخورداری جمهوری اسلامی ایران از اشتراکات تاریخی، فرهنگی، مذهبی و مرزی گسترده با اقلیم کردستان عراق، این کشور نتوانسته است جایگاهی متناسب با ظرفیت‌ها و مزیت‌های خود در اقتصاد اقلیم به دست آورد. در مقابل، ترکیه با بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی فعال، حضور گسترده بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری‌های کلان و نهادینه‌سازی روابط اقتصادی، موفق شده است به بازیگر مسلط اقتصادی و یکی از تأثیرگذارترین کنشگران سیاسی در اقلیم کردستان عراق تبدیل شود. این وضعیت، پرسش‌های مهمی را درباره علل ناکامی ایران در رقابت اقتصادی با ترکیه و پیامدهای آن برای منافع و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه مطرح می‌سازد.

بر این اساس، سؤال اصلی این مقاله آن است که گسترش روابط سیاسی و اقتصادی اقلیم کردستان عراق با ترکیه در سال‌های اخیر چه تأثیری بر جایگاه اقتصادی و منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران داشته و علل ناکامی ایران در رقابت با ترکیه در اقتصاد اقلیم کردستان عراق چیست؟ فرضیه

اصلی پژوهش بر این مبنا استوار است که غلبه رویکرد امنیتی بر دیپلماسی اقتصادی ایران، ضعف ساختاری بخش خصوصی، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و ناتوانی در نهادینه‌سازی روابط اقتصادی پایدار، موجب کاهش نفوذ اقتصادی ایران در اقلیم کردستان عراق شده است؛ در حالی که ترکیه با اتخاذ رویکردی عمل‌گرایانه و اقتصادمحور، توانسته است فاصله خود را با ایران افزایش داده و منافع اقتصادی و سیاسی قابل توجهی در این منطقه کسب کند. این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای منابع معتبر، به بررسی تطبیقی سیاست‌ها و عملکرد اقتصادی ایران و ترکیه در اقلیم کردستان عراق پرداخته و درصدد است ضمن تبیین علل ساختاری و سیاستی ناکامی ایران، پیامدهای این روند را برای آینده سیاست خارجی و منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مورد تحلیل قرار دهد.

### چارچوب نظری و مفهومی

در تحلیل روابط اقتصادی و سیاسی میان کشورهای منطقه و به‌ویژه در زمینه نفوذ اقتصادی ایران و ترکیه در اقلیم کردستان عراق، ضروری است که چارچوب نظری مبتنی بر نظریه اقتصاد سیاسی بین‌الملل و واقع‌گرایی نوین در نظر گرفته شود. از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل، قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی یک کشور در منطقه نه تنها به منابع مالی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم مرتبط است، بلکه به توانایی آن در نهادسازی، ایجاد شبکه‌های اقتصادی و مدیریت روابط دیپلماتیک و امنیتی نیز بستگی دارد (حق‌پناه، ۱۳۸۸: ۱۴). ایران به عنوان همسایه جنوبی اقلیم کردستان، با توجه به اشتراکات تاریخی، مذهبی و فرهنگی، انتظار می‌رفت که بتواند نفوذ اقتصادی قابل توجهی در این منطقه کسب کند، اما تجربه عملی نشان داده است که ترکیه با رویکردی عمل‌گرایانه و اقتصادمحور توانسته است جایگاه مسلط اقتصادی را در اقلیم به دست آورد. از این منظر، چارچوب نظری باید هم شامل تحلیل ساختاری اقتصادی و هم تحلیل قدرت نرم و سخت در سیاست منطقه‌ای باشد تا بتوان علل ناکامی ایران را به صورت نظام‌مند بررسی کرد. یکی از مفاهیم کلیدی در چارچوب نظری این پژوهش، نفوذ اقتصادی است که شامل حضور سرمایه‌گذاری مستقیم، صادرات و واردات، مشارکت در پروژه‌های زیرساختی و فعالیت شرکت‌های خصوصی می‌شود. نفوذ اقتصادی در چارچوب روابط بین‌الملل، اغلب به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف سیاست خارجی و افزایش قدرت نرم کشورها در نظر

گرفته می‌شود (جعفری ولدانی، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۶). ترکیه با استفاده از این ابزار توانسته است شبکه‌ای گسترده از روابط اقتصادی و تجاری در اقلیم کردستان عراق ایجاد کند، در حالی که ایران عمدتاً با محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، نگاه امنیتی و ضعف بخش خصوصی مواجه بوده است (حق‌پناه، ۱۳۸۴: ۱۵). این واقعیت نشان می‌دهد که بدون بهره‌گیری از مفاهیم اقتصاد سیاسی و درک سازوکارهای نفوذ اقتصادی، تحلیل ناکامی ایران ناقص خواهد بود.

مفهوم دیپلماسی اقتصادی نیز از دیگر ارکان مهم چارچوب نظری این پژوهش است. دیپلماسی اقتصادی به معنای استفاده از ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی برای افزایش نفوذ و تحقق منافع کشور در سطح بین‌المللی است. این ابزارها شامل ایجاد معاهدات تجاری، تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی، مذاکره با نهادهای اقتصادی محلی و بهره‌گیری از شبکه‌های تجاری بخش خصوصی می‌شوند. ترکیه در سال‌های اخیر با اجرای سیاست‌های مشخص دیپلماسی اقتصادی، توانسته است به سرمایه‌گذاری‌های کلان و پروژه‌های زیرساختی در اقلیم دست یابد، در حالی که ایران عمدتاً تمرکز خود را بر مسائل امنیتی و سیاسی گذاشته و از ابزارهای دیپلماسی اقتصادی به‌طور کامل بهره نبرده است (حاجی میرخان زرار، ۱۳۹۰: ۲۱). از این رو، تحلیل ناکامی ایران بدون لحاظ کردن دیپلماسی اقتصادی و نحوه استفاده از آن توسط رقبای منطقه‌ای ناقص خواهد بود.

از منظر واقع‌گرایی نوین، امنیت و قدرت نظامی به عنوان ابزار اصلی تضمین منافع ملی در روابط بین‌الملل دیده می‌شود. در مورد ایران و ترکیه، مشاهده می‌شود که ایران با تمرکز بر امنیت مرزها، مسائل مرتبط با گروه‌های مسلح و حفظ ثبات سیاسی، نگاه امنیتی-سیاسی را بر اقتصاد اولویت داده است (رفیع، ۱۳۹۱: ۱۰). این رویکرد باعث شده است که ایران نتواند از فرصت‌های اقتصادی موجود در اقلیم بهره‌برداری کند و ترکیه با رویکرد اقتصادی-عمل‌گرایانه و انعطاف‌پذیر، جایگاه اقتصادی خود را تثبیت نماید (رضازاده، ۱۳۸۶: ۹). این تضاد در رویکردها نشان می‌دهد که چارچوب نظری باید هم‌زمان قدرت اقتصادی، هم قدرت نرم و هم توانایی مدیریت عوامل امنیتی را در تحلیل علل ناکامی ایران مدنظر قرار دهد. نهادها و ساختارهای اقتصادی، از جمله اتاق‌های بازرگانی، بانک‌ها، شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های سرمایه‌گذاری، به عنوان عوامل تسهیل‌کننده نفوذ اقتصادی عمل می‌کنند. ایران در اقلیم کردستان عراق فاقد نهادهای محکم و شبکه‌های اقتصادی پایدار بوده و بخش خصوصی آن نیز غالباً وابسته به دولت است، در حالی که ترکیه توانسته است با ایجاد شبکه‌های

اقتصادی قوی و شرکت‌های معتبر، جایگاه خود را تثبیت کند. این تفاوت ساختاری یکی از دلایل اصلی ناکامی ایران در رقابت اقتصادی با ترکیه است و اهمیت تحلیل نهادی در چارچوب نظری را نشان می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۸۳). بدون توجه به نقش نهادها و ساختارهای اقتصادی، بررسی علل ناکامی ایران ناقص خواهد بود.

مفهوم قدرت نرم و سخت نیز برای تحلیل این موضوع ضروری است. قدرت سخت شامل نیروهای نظامی، تهدیدات امنیتی و کنترل مستقیم بر منابع است، در حالی که قدرت نرم شامل توانایی جلب حمایت، ایجاد اعتماد و نفوذ فرهنگی و اقتصادی است. ایران عمدتاً با تمرکز بر قدرت سخت و امنیت مرزها و کنترل گروه‌های مسلح به دنبال تضمین منافع خود بوده، اما ترکیه با استفاده از قدرت نرم اقتصادی، فرهنگی و شبکه‌های سرمایه‌گذاری موفق شده است جایگاه اقتصادی خود را در اقلیم گسترش دهد. این واقعیت بر ضرورت تلفیق تحلیل قدرت سخت و نرم در چارچوب نظری تأکید می‌کند. یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم، نقش سیاست‌های بین‌المللی و تحریم‌ها در تعیین ظرفیت اقتصادی کشورها است. ایران با محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی مواجه بوده و این محدودیت‌ها باعث شده است که بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت ایران در اقلیم کردستان عراق محدود شود. در مقابل، ترکیه با داشتن دسترسی به منابع مالی بین‌المللی و انعطاف‌پذیری در روابط اقتصادی، توانسته است سرمایه‌گذاری‌های کلان و مستمر در اقلیم انجام دهد و از این طریق نفوذ اقتصادی خود را تثبیت کند (جعفری ولدانی، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۶). این عامل نشان می‌دهد که چارچوب نظری باید شامل تحلیل تأثیر محدودیت‌های خارجی و بین‌المللی بر نفوذ اقتصادی باشد.

نقش روابط فرهنگی و مذهبی نیز به عنوان عامل تسهیل‌کننده یا مانع نفوذ اقتصادی در چارچوب نظری مطرح است. ایران با توجه به اشتراکات مذهبی و فرهنگی با بخش قابل توجهی از جمعیت اقلیم کردستان، انتظار می‌رفت که بتواند از این مزیت برای گسترش روابط اقتصادی بهره‌گیرد، اما تجربه نشان داده است که این عامل به تنهایی کافی نبوده و ترکیه با استفاده از شبکه‌های اقتصادی و دیپلماسی فعال، توانسته است بر محدودیت‌های فرهنگی و مذهبی فائق آید (حاجی میرخان زرار، ۱۳۹۰: ۱۱). بنابراین، تحلیل علل ناکامی ایران بدون توجه به عوامل فرهنگی و مذهبی ناقص خواهد بود و چارچوب نظری باید این مؤلفه‌ها را نیز شامل شود.

## روابط میان دو کشور ایران و ترکیه

### عوامل همگرا در روابط ایران و ترکیه

#### ۱. عامل اقتصادی و حمل و نقل

وابستگی‌های متقابل اقتصادی و حمل و نقل بین ایران و ترکیه در سال‌های اخیر به دلیل افزایش همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک، اهمیتی ویژه یافته است. ایران به عنوان مسیر ترانزیت کالا به اروپا و ترکیه برای انتقال کالا به آسیای مرکزی، از طریق خاک ایران، نقش حیاتی ایفا می‌کند. احداث خط آهن آکو، به عنوان یکی از مهم‌ترین پروژه‌های مشترک ایران، ترکیه و پاکستان، نمونه‌ای بارز از همکاری‌های منطقه‌ای است که هدف آن تسهیل ترانزیت کالا و توسعه ارتباطات اقتصادی است (رضازاده، ۱۳۸۶: ۸). به دلیل وزن منطقه‌ای ایران و نقش آن به عنوان تولیدکننده و معبر منابع انرژی، ترکیه این کشور را به عنوان شریک اقتصادی جدی تلقی می‌کند. یکی از مهم‌ترین ابعاد این روابط، مناسبات تجاری و اقتصادی است. در این راستا، سازمان همکاری اقتصادی آکو (ECO) جهت تأمین ثبات و امنیت در منطقه و جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ترکیه به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک خود و درک اهمیت این موقعیت و نقش منطقه‌ای، بر لزوم حفظ رابطه نزدیک با همسایگان، به ویژه جمهوری اسلامی ایران، تأکید دارد و سازمان همکاری اقتصادی آکو را قالب مناسبی برای تحقق این سیاست می‌داند. مقامات ترکیه تلاش می‌کنند با محوریت نقش خود در سازمان آکو، ترکیه را به عنوان حلقه واسط بین این سازمان، جامعه اروپا و سایر پیمان‌های منطقه‌ای معرفی کنند (Cetinsaya, 2007, p. 18)

#### ۲. مسأله هسته‌ای ایران و موضع ترکیه

یکی دیگر از موضوعات مهم در روابط ایران و ترکیه، مسأله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. در سال‌های اخیر، تلاش محافل غربی برای معرفی برنامه هسته‌ای ایران به عنوان تهدیدی علیه کشورهای منطقه، از جمله ترکیه، مشاهده شده است. با این حال، مسئولان ترکیه همواره سعی کرده‌اند موضعی مستقل از آمریکا و سایر قدرت‌ها اتخاذ کنند. دولت ترکیه بارها اعلام کرده است که دستیابی ایران به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را به رسمیت می‌شناسد و صرفاً با سلاح‌های هسته‌ای مخالفت دارد (رضازاده، ۱۳۸۶: ۲۲). مقامات ترکیه بر این باورند که موضوع هسته‌ای ایران باید در چارچوبی مسالمت‌آمیز و از طریق مذاکره با نهادهای بین‌المللی مسئول مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و

سازمان ملل متحد حل شود، بنابراین ترکیه در این زمینه رویکردی نرم اتخاذ کرده است. با این وجود، آنکارا از پیامدهای منفی گسترش بحران هسته‌ای نیز نگران است. به طور مشخص، ترکیه از شکل‌گیری یک ایران مسلح به توان هسته‌ای نگران خواهد بود، زیرا این وضعیت می‌تواند باعث افزایش برتری ایران نسبت به ترکیه در سه منطقه آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه شود (Keskin, 2007, p. 54). این مسأله نشان می‌دهد که در روابط ایران و ترکیه، عوامل سیاسی-امنیتی در کنار مسائل اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کنند و همگرایی دو کشور در حوزه اقتصادی با چالش‌های سیاسی پیچیده‌ای همراه است.

### ۳. مسأله کردها

امنیت کل منطقه خاورمیانه به صورت واحدی در نظر گرفته می‌شود و نمی‌توان آن را صرفاً به یک کشور محدود کرد؛ هر آسیبی به یکی از کشورهای منطقه می‌تواند بر امنیت کل منطقه تأثیر بگذارد. با توجه به پراکندگی جمعیت کردها در ایران، ترکیه و عراق و مسائلی که کردها برای دولت مرکزی ترکیه ایجاد کرده‌اند، این گروه سال‌ها مرزهای جنوب و جنوب‌شرق ترکیه را با تنش و آشوب مواجه ساخته است. در نتیجه، دولت ترکیه تلاش می‌کند با برقراری روابط مناسب با اقلیم کردستان عراق و ایران، مسائل مرتبط با کردها را مدیریت کرده و آسیب‌های امنیتی و سیاسی در منطقه را کاهش دهد. ویکرد ترکیه در این زمینه به گونه‌ای است که ترکیه با سرمایه‌گذاری اقتصادی، دیپلماسی فعال و تعامل سازنده با اقلیم کردستان عراق، سعی در تثبیت نفوذ خود و مدیریت چالش‌های کردها دارد، در حالی که ایران با محدودیت‌های ناشی از نگاه امنیتی-سیاسی و ضعف نهادهای اقتصادی در این منطقه مواجه است. این تفاوت رویکردها یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر میزان همگرایی یا فاصله‌گیری اقتصادی و سیاسی اقلیم از ایران و ترکیه به شمار می‌رود.

### عوامل واگرا در روابط ایران و ترکیه

#### ۱. هویت‌های متفاوت

روابط ایران و ترکیه در طول تاریخ همواره با فراز و فرودهای متعددی همراه بوده است و بررسی علل اصلی مشکلات در روابط دو کشور نشان می‌دهد که تفاوت‌های هویتی، یکی از مهم‌ترین عوامل اختلاف است (ملا عمر، عیسی، ۱۳۹۰: ۲۰). مهم‌ترین ابعاد این تفاوت‌های هویتی عبارتند از:

الف) مسائل مذهبی شیعه و سنی: در مقاطع مختلف تاریخی، اختلافات مذهبی میان دو کشور تأثیر بسزایی بر روابط دوطرف داشته است. ایران با اکثریت شیعه و ترکیه با اکثریت سنی، در طول تاریخ با چالش‌هایی در تعاملات منطقه‌ای مواجه بوده‌اند که گاهی به محدودیت در همکاری‌های اقتصادی و سیاسی منجر شده است.

ب) هویت قومی فارس و ترک: تفاوت‌های فرهنگی و زبانی نیز یکی دیگر از عوامل مهم هویتی اختلاف بوده است. ترکیه همواره هویت ترک و میراث عثمانی خود را محور سیاست‌های داخلی و خارجی قرار داده، در حالی که ایران بر هویت فارسی و تمدنی خود تأکید داشته است.

ج) نظام حکومتی: تفاوت نظام حکومتی در طول تاریخ نیز باعث شکل‌گیری اختلافات شده است. نظام سلطنتی ایران و نظام جمهوری ترکیه در مقاطع مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به قدرت، مشروعیت و سیاست خارجی داشته‌اند. به ویژه در دوران حکومت عثمانی، این اختلافات یکی از دلایل عمده تنش‌ها میان دو کشور محسوب می‌شد.

د) رویکرد پس از انقلاب اسلامی ایران: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران نظامی مبتنی بر دین و شریعت را پایه سیاست و حکومت خود قرار داد، در حالی که ترکیه با نظام سکولار، تلاش داشت دین را از سیاست جدا کند. این اختلاف اساسی در دیدگاه‌های هویتی، همچنان بر روابط دو کشور اثرگذار است.

ذ) تمایل به غرب یا ضدغربی بودن: ترک‌ها همواره به دنبال نزدیکی به فرهنگ و ارزش‌های غرب بوده‌اند، در حالی که ایران پس از انقلاب، هویتی نسبتاً ضدغربی اتخاذ کرده است. اگرچه دولت کنونی ترکیه ترکیبی از گرایش‌های اسلام‌گرا دارد، اما نظام حکومتی همچنان سکولار است و نگاه سیاسی ترکیه به نقش اسلام در سیاست کاملاً متفاوت با رویکرد جمهوری اسلامی ایران باقی مانده است (Cetinsaya, 2007, p. 183).

## ۲. نگاه متفاوت دو کشور به آمریکا و اسرائیل

یکی دیگر از عوامل واگرا در روابط ایران و ترکیه، تفاوت دیدگاه‌ها نسبت به قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است. از ابتدای تأسیس جمهوری اسلامی ایران، آمریکا و اسرائیل به عنوان بزرگ‌ترین دشمنان ایران در جهان و منطقه محسوب شده‌اند، در حالی که ترکیه روابط نزدیکی با آمریکا برقرار کرده و به عنوان متحد استراتژیک واشنگتن در منطقه شناخته می‌شود (افضلی و حسینی، ۱۳۸۷: ۵۳).

ترکیه در طول دوران جنگ سرد و در وقایع منطقه‌ای مانند کویت، بوسنی و هرزگوین، کوزوو، سومالی و افغانستان، همواره در کنار آمریکا ایستاده و از سیاست‌های واشنگتن حمایت کرده است. تنها در سال ۲۰۰۳، اختلاف نظرهایی میان ایران و ترکیه به ویژه درباره شمال عراق ایجاد شد و پس از مدتی، اختلافات بر سر مسأله کشتار ارامنه نیز شدت یافت. این اختلافات مجدداً در بحران سوریه مشاهده شد، جایی که ترکیه از مواضع آمریکا علیه دولت بشار اسد حمایت کرد. ترکیه به عنوان عضو ناتو، همچنان نقش مهمی برای ثبات منطقه ایفا می‌کند و به همین دلیل، همکاری با ایران در برخی موضوعات اجتناب‌ناپذیر است. از نظر داووداغلو، روابط آمریکا و ترکیه در دوره‌های اخیر وارد عصری طلایی شده و هر دو کشور ناچار به کاهش تقابل و افزایش همکاری هستند. علاوه بر این، ترکیه روابط نزدیک خود با اسرائیل را حفظ کرده است، زیرا هم به لابی‌های اسرائیل در آمریکا و اتحادیه اروپا نیاز دارد و هم بدون مذاکره با اسرائیل، مسائل امنیتی و سرزمینی خود را نمی‌تواند حل کند (ملاعمر، عیسی، ۱۳۹۰: ۲۶). از منظر ایران، وجود اسرائیل و روابط نزدیک ترکیه با آن، یک تهدید آشکار محسوب می‌شود و باعث ایجاد تنش در روابط دو کشور است.

### ۳. رقابت در آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه

رقابت ایران و ترکیه در مناطق آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه نیز یکی دیگر از عوامل واگرایی محسوب می‌شود. این مناطق دارای منابع غنی نفت و گاز و بازارهای اقتصادی بکر هستند و می‌تواند برای هر دو کشور اهمیت سیاسی و اقتصادی قابل توجهی داشته باشند. هر دو کشور در تلاش‌اند با تقویت پیوندهای سیاسی و اقتصادی با کشورهای این مناطق، نفوذ خود را افزایش دهند (رفیع، ۱۳۹۱: ۸۲). ترکیه در چند سال اخیر با اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و سیاسی و استراتژی‌های سیاست خارجی خود، توجه ویژه‌ای به کشورهای پیرامونی به ویژه کشورهای ترک‌تبار قفقاز مانند آذربایجان و گرجستان داشته و قراردادهای اقتصادی متعددی منعقد کرده است. ایران نیز با اتکا به اشتراکات تاریخی، فرهنگی و زبانی با کشورهای آسیای میانه و قفقاز، تلاش گسترده‌ای برای نفوذ در این مناطق داشته است. با این حال، رقابت دو کشور اغلب به عنوان «بازی با حاصل جمع صفر» تحلیل شده است، به گونه‌ای که افزایش نفوذ ترکیه می‌تواند مستقیماً بر کاهش نفوذ ایران تأثیر بگذارد (حاجی میرخان، ۱۳۹۰: ۲۰). علاوه بر رقابت اقتصادی و سیاسی، رقابت‌های ایدئولوژیک و امنیتی نیز این منطقه را به صحنه‌ای حساس و پرتنش میان ایران و ترکیه تبدیل کرده است.

## روابط ایران و کردستان عراق

### عوامل همگرایی در روابط ایران و کردستان عراق

#### ۱. داشتن مرزهای مشترک

ایران و عراق دارای مرز مشترکی به طول تقریبی ۱۴۵۸ کیلومتر هستند که حدود ۸۴ کیلومتر از آن را مرز آبی (اروندرود) تشکیل می‌دهد و باقی آن مرز زمینی است. این مرزها از استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان عبور می‌کنند و استان کرمانشاه با بیش از ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک با اقلیم کردستان عراق، نقش ویژه‌ای در اتصال این منطقه به ایران ایفا می‌کند. وجود مرز طولانی و بازارچه‌های مرزی فعال مانند مرز قصر شیرین، زمینه مناسبی برای مبادلات تجاری و بازرگانی گسترده میان ایران و کردستان عراق فراهم کرده است. این مرز مشترک نه تنها به رشد تعاملات اقتصادی کمک می‌کند، بلکه پیوند فرهنگی و انسانی میان مردم مرزنشین ایران و اقلیم کردستان عراق را نیز تقویت کرده و موجب افزایش همگرایی منطقه‌ای میان دو طرف شده است.

#### ۲. داشتن اشتراکات فرهنگی

کردها خود را از نیاکان ماد می‌دانند و مادها نخستین سلسله پادشاهی ایرانی بوده‌اند که از ۶۶۰ تا ۵۵۰ پیش از میلاد بر ایران حکومت کردند. واژه «ایران» به معنای سرزمین آریاییان است و از این منظر، کردها بخشی از اقوام آریایی و ایرانی محسوب می‌شوند. تاریخ جدایی بخش‌هایی از سرزمین‌های امپراتوری ایران، شامل مناطق کردنشین، به دلیل جنگ‌ها و تحولات سیاسی، باعث شد تا بخش‌هایی از کردستان از ایران جدا شود. با ظهور صفویان و گسترش مذهب تشیع، بخش‌هایی از کردستان سنی‌نشین به قلمرو عثمانی گرایش یافتند و پس از جنگ چالدران در ۱۵۱۴ میلادی، بخش زیادی از کردستان از ایران جدا شد. پس از جنگ جهانی اول و اجرای برنامه تجزیه امپراتوری عثمانی، کشورهای زیر سرپرستی انگلستان و فرانسه تأسیس شدند که شامل عراق، سوریه و ارمنستان بود و کردها در میان سه کشور جدید تقسیم شدند. وعده‌های ایجاد کشور مستقل کردستان هرگز تحقق نیافت و این امر منجر به تبدیل کردها به اقلیتی در کشورهای عراق، ترکیه و سوریه شد. این تحولات تاریخی، همراه با اهمیت اقتصادی و منابع نفتی شمال عراق، به ویژه در مناطق کردنشین، سبب افزایش اهمیت استراتژیک کردها و همگرایی فرهنگی و تاریخی میان ایران و کردستان عراق گردیده است (احمدی، ۱۳۸۵: ۸۵).

## عوامل واگرا در روابط ایران و کردستان عراق

## ۱. خودمختاری کردستان عراق

در دو دهه اخیر، تلاش برخی گروه‌های کرد برای ایجاد به اصطلاح کشور مستقل «کردستان بزرگ چهارپارچه» یکی از مهم‌ترین عوامل اختلاف میان ایران و اقلیم کردستان عراق بوده است. این گروه‌ها با تحریک احساسات ملی‌گرایانه مردم کرد، آرمان‌هایی مانند تشکیل ملت و دولت مستقل کردستان را مطرح کرده و در تلاش هستند هویتی جداگانه برای این منطقه بسازند. این تلاش‌ها باعث می‌شود که برخی سیاست‌ها و مواضع کردها به گونه‌ای تفسیر شود که فاصله‌گیری اقلیم از ایران را تشدید می‌کند. مهم‌ترین راهبرد ایران در مواجهه با تحولات دو دهه اخیر عراق، حفظ تمامیت ارضی این کشور بوده است. ایران معتقد است اگر حرکت‌های کردها در جهت افزایش اختیارات اقلیم، زمینه‌ساز استقلال کامل شود، این مسئله می‌تواند روابط میان ایران و اقلیم کردستان عراق را سرد کند. اما در صورتی که تلاش کردها برای افزایش اختیارات، با مشارکت سازنده در دولت مرکزی عراق و تقویت وحدت ملی این کشور همراه باشد، این موضوع می‌تواند به تقویت روابط میان جمهوری اسلامی ایران و کردهای عراق منجر شود (شرق، ۱۳۸۳: ۹).

## ۲. فعالیت گروه‌های مخالف ایران در منطقه کردستان عراق

یکی دیگر از چالش‌های مهم در روابط ایران و کردستان عراق، استفاده برخی گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران از خاک این منطقه است. گروه‌هایی مانند پژاک، کومله، زحمتکشان دمکرات ایران و دیگر گروه‌ها، بارها منجر به ایجاد ناامنی در مرزها و برخی شهرهای غربی ایران شده‌اند (رفیع، ۱۳۹۱: ۸۷). در این زمینه، اگر کردهای عراقی بتوانند مانع استفاده خاک خود توسط این گروه‌ها شوند، میزان اعتماد جمهوری اسلامی ایران به آنها افزایش یافته و زمینه برقراری روابط سازنده و مناسبات سیاسی گرم‌تر فراهم خواهد شد. اما در صورت بی‌توجهی به این موضوع، اثر عکس داشته و روابط میان ایران و اقلیم کردستان عراق سرد خواهد شد. از سوی دیگر، حملات مکرر نظامی ایران علیه گروه پژاک در خاک کردستان عراق، مشکلاتی برای منطقه ایجاد کرده است. به گونه‌ای که پارلمان کردستان عراق در ۲۲ تیر ۱۳۹۰، رسماً این اقدامات ایران را محکوم کرد. این حملات همچنین موجب افزایش بدبینی مردم محلی نسبت به سیاست‌های ایران شده است. بنابراین، نحوه تعامل

مقامات کردستان عراق با این گروه‌ها و همکاری آنها در کنترل فعالیت‌های ضدایرانی، نقش بسیار مهمی در ایجاد اعتماد دو جانبه و تثبیت مناسبات سیاسی میان دو طرف ایفا می‌کند.

### روابط کردستان عراق با ترکیه

#### دلایل گرایش کردستان عراق برای برقراری رابطه با ترکیه

اقلیم کردستان عراق که تا پیش از دهه ۱۹۹۰ عمدتاً درگیر تلاش برای اتحاد داخلی و حفظ خودمختاری بود، در سال‌های اخیر به دلیل اختلافات با دولت مرکزی عراق و تلاش برای سهم‌خواهی از بودجه این کشور، نقش میانجی و فعال در مسائل منطقه‌ای پیدا کرده است (حق‌پناه، ۱۳۹۲: ۵۹). در این بخش، مولفه‌هایی بررسی می‌شود که سیاست رهبران اقلیم را در رابطه با همسایه شمالی، یعنی ترکیه، مشخص می‌سازد.

#### ۱. خروج از بن‌بست سیاسی

هرچند اقلیم کردستان عراق به طور رسمی و با حمایت آمریکایی‌ها در دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت، اما حضور صدام حسین و حزب بعث در رأس قدرت عراق و سیاست‌های پان‌عربی و سرکوب قومی، فعالیت سیاسی مؤثر کردها را محدود کرده بود. پس از سقوط صدام در ۲۰۰۳، شرایط سیاسی عراق و به ویژه برای منطقه کردستان عراق تغییر یافت (حق‌پناه، ۱۳۹۲: ۵۹). همزمان با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، به رهبری رجب طیب اردوغان و داود اغلو، سیاست تنش‌زدایی و تقویت روابط با کشورهای همسایه در دستور کار قرار گرفت. با این حال، اختلافات ترکیه با نخست‌وزیر وقت عراق، نوری مالکی، بر سر مسائل سیاسی و مذهبی، منجر به سرد شدن روابط دو کشور شد. در این وضعیت، مقامات کردستان عراق، که از زیر سلطه رژیم بعث نجات یافته و شاهد تجربه حکومت دموکراتیک در عراق بودند، خواستار افزایش استقلال و خودمختاری منطقه شدند. دولت مرکزی عراق با برخی از این خواسته‌ها موافقت نکرد، از جمله اجازه صادرات و واردات مستقیم، انعقاد قراردادهای نفتی مستقل و مسائل گمرکی و مرزی. در سال ۲۰۱۳، نمایندگان کردستان عراق و تعدادی از وزرای کرد کابینه نوری مالکی، به نشانه اعتراض، مجلس و دولت عراق را به مدت دو ماه تحریم کردند (حاجی میرخان، ۱۳۹۰: ۱۷). این فشارها و محدودیت‌ها، در کنار اختلافات میان دولت مرکزی عراق و ترکیه، نوعی گرایش و نزدیکی بین کردستان عراق و ترکیه

ایجاد کرد. مقامات کردستان عراق برای خروج از بن‌بست سیاسی و دستیابی به اهداف خود، سیاست نزدیکی و گسترش روابط با ترکیه را در پیش گرفتند.

## ۲. صادرات نفت و جذب سرمایه‌های خارجی

اقلیم کردستان عراق با بیش از یک دهه تجربه خودمختاری، اکنون در فاز حساس توسعه اقتصادی و سیاسی قرار گرفته است. گسترش روابط با ترکیه و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این منطقه، نقش مهمی در رشد اقتصادی و افزایش توان استراتژیک کردستان دارد. پیش از این، کردستان عراق منطقه‌ای تقریباً شبیه به یک روستای بزرگ بود که جنگ‌های داخلی آسیب‌های فراوانی به آن وارد کرده بود. اکنون این منطقه با بهره‌گیری از روابط استراتژیک با ترکیه، به تدریج دوران سازندگی و رشد اقتصادی را تجربه می‌کند و سعی دارد از طریق سرمایه‌گذاری‌های خارجی، زیرساخت‌های خود را توسعه دهد و توان سیاسی و اقتصادی خود را افزایش دهد. این تحول، باعث شده تا اقلیم کردستان عراق به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای مهم در تعامل با کشورهای همسایه، به ویژه ترکیه، مطرح شود و توانایی بیشتری در پیگیری اهداف اقتصادی و سیاسی خود داشته باشد (محرابی و غم‌پور، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

## ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی اقلیم کردستان عراق

اقلیم کردستان عراق در شمال این کشور واقع شده و به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی حساس خود، از اهمیت ویژه‌ای در خاورمیانه برخوردار است. این منطقه با ترکیه در شمال، ایران در شرق و مناطق مرکزی عراق در جنوب و غرب مرز مشترک دارد و از نظر موقعیت جغرافیایی، به نقطه‌ای استراتژیک برای تعاملات سیاسی و اقتصادی تبدیل شده است (اعظم، ۱۳۹۲: ۵۱). مساحت تقریبی اقلیم حدود ۴۰ هزار کیلومتر مربع است و جمعیت آن نزدیک به پنج میلیون نفر برآورد می‌شود. وجود این مرزهای طولانی و متصل، اقلیم را به محلی برای مبادلات اقتصادی و تجاری و همچنین مسیر ترانزیتی مهم برای کشورهای همسایه تبدیل کرده است. مرزهای اقلیم نه تنها در حوزه تجارت، بلکه در مسائل امنیتی نیز حیاتی هستند؛ زیرا هرگونه ناآرامی یا بحران امنیتی در این منطقه، به سرعت می‌تواند بر امنیت ملی کشورهای همسایه تأثیرگذار باشد. ویژگی جغرافیایی این منطقه، مقامات محلی را واداشته است تا به‌طور مستمر سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که هم قدرت اقلیم را در سطح منطقه حفظ کند و هم تعادل روابط با کشورهای همجوار را تأمین نماید. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اقلیم، دارا بودن

منابع غنی نفت و گاز است. بخش عمده‌ای از ذخایر نفتی عراق در مناطق شمالی و کردنشین قرار دارد و این منابع شامل میادین بزرگ نفتی و گازی هستند که توان بالایی در تولید و صادرات انرژی دارند (مصیب‌زاده، ۲۰۱۱: ۱۰). با توجه به ضعف دولت مرکزی عراق در مدیریت منابع شمال کشور، مقامات اقلیم تلاش کرده‌اند با شرکت‌های بین‌المللی قراردادهای مستقلی منعقد کنند و از این طریق درآمد اقتصادی خود را افزایش دهند. نفت و گاز، نه تنها منبع اصلی درآمد اقلیم هستند، بلکه ابزار مهمی برای افزایش استقلال اقتصادی و سیاسی اقلیم در برابر دولت مرکزی محسوب می‌شوند. همچنین توسعه زیرساخت‌های انرژی، ایجاد مسیرهای انتقال نفت به ترکیه و سرمایه‌گذاری در حوزه گاز و برق، باعث شده است که اقلیم به عنوان بازیگری مستقل در اقتصاد منطقه شناخته شود. این منابع انرژی، زمینه نفوذ اقلیم در سیاست خارجی کشورهای همسایه و قدرت‌های بزرگ را نیز فراهم کرده و توجه کشورهای منطقه و جهان را به این منطقه جلب نموده است.

اقلیم کردستان دارای ساختاری نیمه‌خودمختار است که شامل دولت منطقه‌ای، پارلمان و احزاب اصلی نظیر حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی می‌شود. این ساختار سیاسی به اقلیم امکان می‌دهد که در برخی حوزه‌ها، تصمیمات مستقل از دولت مرکزی عراق اتخاذ کند، به ویژه در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و خارجی. دولت اقلیم با بهره‌گیری از قدرت محلی و ظرفیت احزاب سیاسی، توانسته است نقش میانجی در مسائل داخلی عراق و مسائل قومی کردها ایفا کند. ساختار سیاسی اقلیم همچنین باعث شده است که سیاستمداران منطقه بتوانند به شکلی مؤثر با کشورهای همسایه مانند ترکیه و ایران تعامل داشته باشند و نقش خود را در معادلات سیاسی منطقه تقویت کنند. با این حال، ضعف در هماهنگی و اختلافات میان احزاب اصلی منطقه، گاهی منجر به بحران‌های سیاسی داخلی شده و توان تصمیم‌گیری یکپارچه اقلیم را کاهش داده است.

اقتصاد اقلیم کردستان ترکیبی از بخش‌های دولتی و خصوصی است و بخش عمده‌ای از درآمد آن از منابع نفتی و مالیات‌های محلی تأمین می‌شود (ولقلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۶). این منطقه با ایجاد مناطق آزاد اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و عقد قراردادهای مستقیم با شرکت‌های بین‌المللی، تلاش کرده است که اقتصاد خود را مستقل و پویا کند. علاوه بر نفت و گاز، کشاورزی، صنایع سبک و خدمات نیز بخشی از فعالیت‌های اقتصادی منطقه را تشکیل می‌دهند. گسترش شبکه‌های حمل و نقل، ایجاد بازارهای محلی و بین‌المللی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های شهری باعث شده است

که اقلیم بتواند از مزایای موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی خود بهره‌برداری کامل داشته باشد. این ویژگی‌های اقتصادی، موجب شده است که اقلیم در مذاکرات با دولت مرکزی عراق و کشورهای همسایه، قدرت چانه‌زنی بالایی داشته باشد.

اقلیم کردستان عراق به دلیل موقعیت استراتژیک، منابع اقتصادی و ساختار سیاسی خود، نقش مهمی در سیاست خارجی کشورهای منطقه ایفا می‌کند. این منطقه به ویژه با ترکیه و ایران روابط نزدیکی دارد و تلاش می‌کند از طریق تعاملات اقتصادی و سیاسی با این کشورها، اهداف خود را پیش برد. نقش اقلیم در مسائل منطقه‌ای مانند بحران سوریه و مدیریت مسائل کردهای سوریه، جایگاه آن را در معادلات خاورمیانه تقویت کرده است. علاوه بر این، اقلیم به عنوان یک بازیگر مستقل، توانسته است در برخی توافق‌ها و قراردادهای بین‌المللی، نقشی فراتر از نقش یک منطقه نیمه‌خودمختار ایفا کند و حضور خود را در عرصه سیاسی و اقتصادی منطقه تثبیت نماید.

با وجود مزیت‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی، اقلیم کردستان با چالش‌هایی نیز مواجه است. رقابت با دولت مرکزی عراق، فشارهای منطقه‌ای، تنش‌های داخلی میان احزاب و نهادهای سیاسی و وابستگی اقتصادی به صادرات نفت، همگی محدودیت‌هایی برای استقلال واقعی اقلیم ایجاد کرده‌اند. از سوی دیگر، روابط اقتصادی و سیاسی اقلیم با ترکیه و کشورهای غربی فرصت‌هایی را برای رشد و توسعه فراهم کرده است. توانایی اقلیم در مدیریت منابع انرژی، استفاده از ظرفیت مرزهای طولانی برای تجارت و ترانزیت و نقش آن در سیاست خارجی منطقه، این امکان را به مقامات اقلیم می‌دهد که به عنوان یک بازیگر اثرگذار در خاورمیانه باقی بمانند. با این حال، موفقیت اقلیم در بهره‌برداری از این فرصت‌ها، مستلزم هماهنگی داخلی، مدیریت بحران‌های امنیتی و اتخاذ سیاست‌های متوازن با کشورهای همسایه است (ولقلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴).

### سیاست اقتصادی و سیاسی ایران در اقلیم کردستان عراق

سیاست اقتصادی ایران در قبال اقلیم کردستان عراق مبتنی بر بهره‌برداری از موقعیت ژئوپلیتیکی و مرزهای طولانی مشترک بوده است. ایران با توجه به سابقه تاریخی روابط و اشتراکات فرهنگی و اقتصادی با مردم منطقه، تلاش کرده است از طریق توسعه مراودات تجاری و اقتصادی، نفوذ خود را در این منطقه افزایش دهد (پورخسروی، ۱۳۸۷: ۲۴۷-۲۴۸). سیاست‌های اقتصادی ایران شامل ایجاد

بازارچه‌های مرزی، تسهیل ورود و خروج کالاها، و توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل بین مرزی بوده است. علاوه بر این، ایران به‌طور مستمر سعی داشته است از مسیر کردستان عراق، به بازارهای داخلی عراق و کشورهای همسایه دسترسی پیدا کند و در عین حال، با ارائه تسهیلات تجاری به بازرگانان محلی، وابستگی اقتصادی منطقه به ایران را افزایش دهد. این استراتژی‌ها به‌طور عمده بر پایه همکاری‌های دو جانبه و توسعه سرمایه‌گذاری در بخش‌های تجاری و صنعتی طراحی شده‌اند و هدف آن کاهش فاصله اقتصادی کردستان عراق از ایران و تثبیت جایگاه ایران در این منطقه بوده است. دیپلماسی اقتصادی ایران در اقلیم کردستان عراق از طریق تعامل با مقامات محلی و احزاب اصلی منطقه مانند حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی انجام شده است. این دیپلماسی شامل مذاکرات برای قراردادهای تجاری، تنظیم تعرفه‌های گمرکی، و همکاری در پروژه‌های زیربنایی و انرژی بوده است. با این حال، دیپلماسی اقتصادی ایران بیشتر به شکل دو جانبه و مبتنی بر روابط سنتی و شخصی با مقامات محلی صورت گرفته و فاقد برنامه‌ریزی کلان و هماهنگ با سیاست‌های رسمی دولت مرکزی عراق بوده است. این وضعیت موجب شده است که برخی از پروژه‌ها یا توافقات اقتصادی در سطح محلی انجام شوند اما نتوانند به شکل کامل در سطح ملی عراق تثبیت شوند و در نتیجه اثرگذاری ایران در مقایسه با نفوذ ترکیه محدود بماند (جعفری ولدانی، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۶).

سیاست اقتصادی ایران در اقلیم کردستان عراق با محدودیت‌ها و چالش‌های متعددی مواجه بوده است. نخستین عامل محدودکننده، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران است که مانع از سرمایه‌گذاری گسترده و تعاملات مالی با بانک‌های بین‌المللی شده است. این تحریم‌ها موجب شده‌اند بسیاری از معاملات ایران با شرکت‌های خارجی یا حتی بازرگانان منطقه محدود شود و ایران نتواند به‌طور مؤثر در پروژه‌های بزرگ اقتصادی مشارکت داشته باشد. دومین محدودیت، نگرش امنیتی ایران نسبت به اقلیم است. تهران همواره نسبت به احتمال رشد خودمختاری سیاسی در کردستان و نزدیکی این منطقه به کشورهای دیگر از جمله ترکیه و آمریکا نگران بوده و این امر باعث شده است که ایران در برخی پروژه‌های اقتصادی محتاط عمل کند و سیاست‌های اقتصادی خود را محدود به فعالیت‌های کوچک و محلی نماید. علاوه بر این، ضعف بخش خصوصی ایران و نبود شبکه‌های قوی سرمایه‌گذاری در منطقه نیز باعث شده است که نقش ایران در اقتصاد اقلیم کردستان نسبت به ترکیه محدودتر باشد.

سیاست سیاسی ایران در اقلیم کردستان عراق همواره با تأکید بر حفظ تمامیت ارضی عراق و جلوگیری از گسترش استقلال کامل اقلیم طراحی شده است (حاجی میرخان زرار، ۱۳۹۰: ۹). ایران تلاش کرده است از طریق همکاری با مقامات دولت مرکزی عراق، فشار بر دولت محلی اقلیم را برای محدود کردن اقدامات سیاسی خود افزایش دهد و در عین حال روابط خود را با مقامات محلی اقلیم حفظ کند. این سیاست به ویژه در مواجهه با مسائلی مانند استفاده خاک کردستان عراق توسط گروه‌های مخالف ایران، مانند پژاک و کومله، نمود یافته است. تهران با اقداماتی مانند حملات نظامی محدود و مذاکرات امنیتی سعی کرده است نفوذ گروه‌های مخالف را کاهش دهد و همزمان اعتماد مقامات اقلیم را تا حدی حفظ نماید.

عملکرد دیپلماسی اقتصادی ایران در منطقه به دلیل رقابت مستقیم با ترکیه محدود شده است. ترکیه با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی و سیاست باز خود، توانسته است سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در زمینه نفت، گاز و زیرساخت‌ها انجام دهد و از طریق قراردادهای مستقیم با اقلیم، نفوذ اقتصادی خود را افزایش دهد. در مقایسه، ایران به دلیل تحریم‌ها، محدودیت‌های امنیتی و ضعف دیپلماسی اقتصادی نتوانسته است جایگاه خود را به شکل پایدار تثبیت کند و عمدتاً به فعالیت‌های سنتی و مرزی بسنده کرده است (پورخسروی، ۱۳۸۷: ۲۴۷-۲۴۸). این امر باعث شده است که کردستان عراق در دهه اخیر بیشتر به سمت ترکیه گرایش پیدا کند و ایران نتواند نقش مؤثری در سیاست‌های اقتصادی منطقه داشته باشد.

### تحلیل مقایسه‌ای ایران و ترکیه در اقلیم کردستان عراق

در بررسی نفوذ ایران و ترکیه در اقلیم کردستان عراق، تفاوت‌های اساسی در رویکردهای اقتصادی و سیاسی این دو کشور کاملاً مشهود است. ترکیه سیاست خود را بر پایه اقتصادمحوری و توسعه روابط تجاری گسترده با اقلیم کردستان عراق پایه‌گذاری کرده است، در حالی که ایران بیشتر نگرانی‌های امنیتی و سیاسی را محور فعالیت‌های خود قرار داده است. این تفاوت در رویکردها باعث شده است که ترکیه بتواند در یک دهه اخیر با استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم، قراردادهای نفتی و پروژه‌های زیرساختی نفوذ خود را به سرعت گسترش دهد، در حالی که ایران علی‌رغم اشتراکات فرهنگی و مرز طولانی، نتوانسته است جایگاه اقتصادی پایدار و مؤثری در این منطقه به دست آورد.

از این منظر، مقایسه نشان می‌دهد که اولویت‌بندی ترکیه بر توسعه اقتصادی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، مهم‌ترین عامل موفقیت آن در اقلیم بوده است. ترکیه از ابتدای دهه ۲۰۰۰ میلادی با آغاز حکومت حزب عدالت و توسعه، سیاستی مبتنی بر اقتصادمحوری و گسترش روابط با کشورهای همسایه به ویژه اقلیم کردستان عراق را دنبال کرده است. سیاست ترکیه شامل جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه خطوط انرژی، تسهیل صادرات نفت و گاز اقلیم و ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل بوده است. ترکیه توانسته است با انعقاد قراردادهای مستقیم با اقلیم، نه تنها نفوذ اقتصادی خود را افزایش دهد بلکه به بخشی از سیاست خارجی منطقه‌ای خود شکل دهد. این دیپلماسی اقتصادی فعال و انعطاف‌پذیر باعث شده است که کردستان عراق بیش از ایران به ترکیه اعتماد کند و ترجیح دهد پروژه‌های اقتصادی و سیاسی خود را با آن هماهنگ سازد.

در مقابل، سیاست ایران در اقلیم کردستان عراق امنیت‌محور بوده و هدف اصلی آن حفظ مرزها، جلوگیری از فعالیت گروه‌های مخالف، و تضمین ثبات سیاسی منطقه بوده است. این رویکرد، هرچند از منظر دیپلماسی سیاسی و امنیتی منطقی است، اما در زمینه اقتصادی محدودیت‌های جدی ایجاد کرده است. ایران بیشتر به همکاری با دولت مرکزی عراق متکی بوده و از اقدام مستقیم و مستقل در اقلیم خودداری کرده است، به ویژه در زمینه قراردادهای نفتی و پروژه‌های زیرساختی. این امر باعث شده است که ایران نتواند به سرعت و گستردگی ترکیه در اقتصاد منطقه نفوذ کند و نقش آن در زمینه سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی محدود باقی بماند. ترکیه در دهه اخیر با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت، گاز و حمل و نقل، به یکی از بازیگران اصلی اقتصادی اقلیم کردستان عراق تبدیل شده است. این کشور علاوه بر سرمایه‌گذاری مستقیم، با ایجاد زیرساخت‌های لجستیکی و تسهیل روابط تجاری، امکان دسترسی سریع به بازارهای عراق و اروپا را فراهم کرده است. ایران در مقابل، به دلیل محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و نگرانی‌های امنیتی، عمدتاً به پروژه‌های کوچک و محلی بسنده کرده و نتوانسته است جایگاه ترکیه را در اقتصاد اقلیم تهدید کند. این تفاوت نشان می‌دهد که اقتصادمحوری و انعطاف در سیاست خارجی ترکیه، باعث افزایش اثرگذاری آن در منطقه شده است، در حالی که امنیت‌محوری ایران مانع از توسعه فعالیت‌های اقتصادی گسترده شده است. دیپلماسی ترکیه در اقلیم کردستان عراق، مبتنی بر همکاری با مقامات محلی و نهادهای رسمی بوده و توانسته است اعتماد احزاب کرد مانند حزب دموکرات و اتحادیه میهنی را جلب کند. این

دیپلماسی ترکیبی از مذاکرات اقتصادی، قراردادهای سیاسی و تعاملات اجتماعی بوده که به ترکیه امکان داده است نفوذ خود را به شکل پایدار حفظ کند. در مقابل، ایران عمدتاً به دیپلماسی امنیتی و همکاری با دولت مرکزی عراق محدود بوده و فرصت‌های دیپلماسی مستقیم با مقامات محلی را از دست داده است. این ضعف دیپلماسی اقتصادی و محدودیت تعامل مستقیم، یکی دیگر از عوامل ناکامی ایران در مقابل ترکیه بوده است. یکی از عوامل مهم ناکامی ایران در اقلیم، نگاه امنیتی به کردها و تمرکز بر تهدیدات سیاسی ناشی از خودمختاری است. ایران با وجود اشتراکات تاریخی، فرهنگی و زبانی با مردم کردستان، در دهه‌های اخیر از اتخاذ سیاست‌های اقتصادی گسترده خودداری کرده است. ترکیه در مقابل، توانسته است با بهره‌گیری از شباهت‌های فرهنگی و فرصت‌های اقتصادی، روابط خود با مردم و مقامات محلی را مستحکم سازد. این اختلاف در رویکرد نشان می‌دهد که ایران به جای استفاده از مزیت‌های تاریخی و فرهنگی خود، بیشتر بر محدود کردن فعالیت‌های سیاسی و امنیتی منطقه تمرکز کرده است و در نتیجه نفوذ اقتصادی آن محدود مانده است.

رقابت ایران و ترکیه در اقلیم کردستان عراق بخشی از رقابت گسترده‌تر در منطقه خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز است. ترکیه با استراتژی اقتصادی و سیاسی مبتنی بر استقلال عمل و همکاری مستقیم با مقامات محلی، توانسته است خود را به عنوان بازیگر کلیدی در منطقه تثبیت کند، در حالی که ایران بیشتر به استراتژی امنیتی و همکاری با دولت مرکزی عراق متکی بوده و این امر موجب شده است تا در بازی رقابت منطقه‌ای از ترکیه عقب بماند. بدین ترتیب، رویکرد ترکیه مبتنی بر فرصت‌طلبی اقتصادی و انعطاف سیاسی بوده و رویکرد ایران مبتنی بر محافظه‌کاری و امنیت‌محوری، که هر یک نتایج متفاوتی در نفوذ منطقه‌ای به همراه داشته است.

### نتیجه‌گیری

تحلیل جامع روابط ایران با ترکیه و اقلیم کردستان عراق نشان می‌دهد که ناکامی ایران در نفوذ اقتصادی و سیاسی در این منطقه، ناشی از ترکیبی از عوامل ساختاری، تاریخی، امنیتی و اقتصادی است. ایران با وجود داشتن مرز طولانی، اشتراکات فرهنگی و تاریخی با کردهای عراق و تجربه طولانی تعاملات منطقه‌ای، نتوانسته جایگاه اقتصادی و سیاسی پایدار و مؤثری در اقلیم کردستان ایجاد کند. تمرکز بیش از حد بر محور امنیت و نگرانی‌های ناشی از فعالیت گروه‌های مخالف در

حاکم اقلیم، باعث شده ایران بیشتر به اقدامات تدافعی محدود شود و نتواند از ظرفیت‌های اقتصادی و دیپلماسی اقتصادی خود به شکل مؤثر بهره ببرد. در مقابل، ترکیه با اتخاذ رویکرد اقتصادمحور و بهره‌گیری از دیپلماسی فعال، توانسته نفوذ خود را در اقلیم افزایش دهد. سیاست ترکیه بر سرمایه‌گذاری مستقیم، انعقاد قراردادهای نفت و گاز، توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل و ایجاد روابط پایدار با مقامات محلی اقلیم متمرکز بوده است. این رویکرد اقتصادی به ترکیه امکان داده است ضمن افزایش اثرگذاری اقتصادی، نقش خود را در معادلات سیاسی داخلی اقلیم و در سیاست خارجی منطقه تثبیت کند و جایگاهش را به عنوان بازیگر کلیدی در شمال عراق تثبیت نماید. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که یکی از علل اصلی ناکامی ایران، نگاه امنیت‌محور و محدودیت در بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش خصوصی و فرصت‌های اقتصادی منطقه است. ایران بیشتر به حفظ ثبات مرزها و مقابله با تهدیدات امنیتی توجه داشته و به همین دلیل از سرمایه‌گذاری گسترده و حضور فعال اقتصادی در اقلیم بازمانده است. در حالی که ترکیه با چشم‌انداز بلندمدت اقتصادی و توسعه روابط تجاری و انرژی محور توانسته زمینه اعتماد و همکاری متقابل با مقامات محلی را فراهم کند و به حضور مستمر و اثرگذار در منطقه دست یابد.

علاوه بر این، ساختار سیاسی و اقتصادی اقلیم کردستان و تجربه خودمختاری این منطقه، زمینه‌ای فراهم کرده که بازیگران خارجی با استراتژی‌های فعال و انعطاف‌پذیر بتوانند نفوذ خود را گسترش دهند. ترکیه با شناخت دقیق از ساختار سیاسی اقلیم و ضعف هماهنگی ایران با دولت محلی، توانسته به شکلی مؤثر با مقامات اقلیم تعامل کند و قراردادهای اقتصادی مهمی منعقد نماید، در حالی که ایران با رعایت پروتکل‌های دیپلماتیک و تمرکز بر دولت مرکزی عراق، از ایجاد روابط مستقیم و کارآمد با اقلیم باز مانده است. همچنین، نقش سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی در موفقیت ترکیه نسبت به ایران برجسته است. ترکیه با استفاده از قدرت نرم، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و پروژه‌های زیرساختی، توانسته است موقعیت خود را به عنوان شریک کلیدی اقلیم تثبیت کند، در حالی که ایران با محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و نگاه امنیتی، نتوانسته از ظرفیت‌های بالقوه خود برای نفوذ اقتصادی و سیاسی بهره ببرد. این تفاوت رویکردها نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری اقتصادی و دیپلماسی فعال، نقشی تعیین‌کننده در موفقیت یا ناکامی کشورها در مناطق دارای خودمختاری محدود دارد. در مجموع، می‌توان گفت که ناکامی ایران ناشی از تلفیق تمرکز بر امنیت،

محدودیت‌های دیپلماتیک و ضعف هماهنگی با مقامات محلی اقلیم است، در حالی که موفقیت ترکیه نتیجه مستقیم انتخاب رویکرد اقتصادمحور، انعطاف‌پذیری در تعاملات سیاسی و شناخت دقیق ظرفیت‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای است. این مقایسه نشان می‌دهد که در شرایط کنونی، تعامل اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم می‌تواند جایگاه یک کشور را در مناطق دارای خودمختاری افزایش دهد و ابزار مؤثری برای تحقق منافع استراتژیک باشد.

بنابراین، برای ایران ضروری است که سیاست‌های خود را از تمرکز صرف امنیتی به سمت رویکرد ترکیبی اقتصادمحور و دیپلماسی فعال تغییر دهد، سرمایه‌گذاری مستقیم اقتصادی در اقلیم افزایش یابد و زمینه اعتماد متقابل با مقامات محلی فراهم شود. بدون این تغییر رویکرد، ایران همچنان در رقابت با بازیگران منطقه‌ای مانند ترکیه، موقعیت ثابتی در اقلیم کردستان عراق نخواهد داشت و فرصت‌های اقتصادی و سیاسی حیاتی را از دست خواهد داد. در نهایت، این مطالعه نشان می‌دهد که رقابت ایران و ترکیه در شمال عراق، نمونه‌ای از رقابت‌های منطقه‌ای میان رویکردهای امنیت‌محور و اقتصادمحور است و تجربه ترکیه می‌تواند الگویی برای بازنگری سیاست‌های ایران در تعامل با مناطق خودمختار و کشورهای همسایه ارائه دهد. برای ایران، تغییر رویکرد، تقویت دیپلماسی اقتصادی و تعامل مستقیم با اقلیم، شرط لازم برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی در منطقه است و بدون این اقدامات، خطر کاهش نفوذ و فاصله گرفتن از اهداف استراتژیک ایران در شمال عراق محتمل خواهد بود.

## فهرست منابع

- پشنگ، اردشیر (۱۳۹۰). پیشروی دیپلماتیک ترکیه در کردستان عراق. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. پشنگ، اردشیر (۱۳۹۲). تاثیر تحولات خاورمیانه بر تغییر استراتژی ترکیه در قبال کردها. سایت مرکز مطالعات صلح.
- پورخسروی، انیس (۱۳۸۷). ترکیه و گرداب دگرگونی‌های عراق، اطلاعات اقتصادی، ۲۴۷ و ۲۴۸.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۱). چشم‌داشت‌های ترکیه به شمال عراق، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۹۵-۹۶.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، تحقیقات جغرافیایی، ۲۱ (۸۳)، ۵-۳۶.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۴). امکان‌سنجی ائتلاف شیعیان و کردها در عراق پس از انتخابات ۳۰ ژانویه. گزارش پژوهشی، ۱-۳-۵.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۸). نقش و نفوذ ترکیه در عراق و منافع جمهوری اسلامی ایران. گزارش راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۲). افق روشن روابط. فصلنامه همشهری دیپلماتیک.
- رابرت السن (۱۳۹۱). مسئله کرد در روابط ایران و ترکیه (ترجمه ابراهیم یونسی). تهران: پانید.
- رضازاده، سخاوت (۱۳۸۶). استراتژی خاورمیانه‌ای ترکیه و محدودیت‌ها و مطلوبیت‌های ایران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- رفیع، حسین؛ مظلومی، اسماعیل (۱۳۹۱). موانع همگرایی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۵ (۱۰)، ۷۹-۹۸.
- فلاح، رحمت (۱۳۹۱). تقابل و تعامل ترکیه و ایران در عراق. خبرگزاری فارس.
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۸۶). بررسی منابع چالش در روابط ترکیه با آمریکا، مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، ۸ (۳۲).
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۸۶). سایه القاعده در ترکیه، مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، ۸ (۳۰ و ۳۱).
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۱). راهبرد ترکیه در عراق، مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۰ (۳۹).
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۹). بازیگران موثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها، مطالعات راهبردی، ۱۳ (۴۷)، ۳۷-۵۸.
- کاکایی، سیامک (۱۳۹۱). نگرش جدید ترکیه به عراق: بررسی ملاحظات راهبردی جمهوری اسلامی ایران، نمای راهبردی، فروردین.

- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۸۹). روابط ایران با حکومت اقلیم کردستان، گزارش، شماره ۲۱۹. کوهن، سامی (۱۳۹۲). روابط ایران و ترکیه: همکاری و رقابت. خبرگزاری کردپرس.
- گالبرایت، پیتر (۱۳۹۲). کردها و عراق پس از صدام، راهبرد، ۱(۱).
- محرابی، علیرضا و غم‌پرور، احمد (۱۳۹۰). عوامل موثر بر واگرایی کردها و بحران در کردستان ترکیه، ژئوپلیتیک، ۷(۲)، ۱۸۳-۲۱۳.
- مصاحبه داوود اوغلو (۱۳۹۲). مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل واشنگتن، سایت کردپرس.
- مصیب‌زاده، ایلدار (۲۰۱۱). آینده سیاست خارجی ترکیه. روزنامه ۵۲۵ باکو. قابل دسترسی در [www.525ci.com.az](http://www.525ci.com.az)
- ملاعمر، عیسی صالح (۱۳۹۰). بحران آفرینی ابرقدرتها در کردستان عراق. تهران: توکلی.
- نصری، قدیر (۱۳۹۱). ایران و ترکیه: زمینه‌ها و ظرافت‌های هماهنگی راهبردی، نمای راهبردی، ۱(۲۲).
- ولقلی‌زاده، علی (۱۳۹۰). راهبردهایی برای نقش آفرینی موفق ایران در رقابت با ترک‌ها در عراق، تحلیل هفته، مؤسسه فرهنگی مطالعات فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
- Aras, Bulent, & Biakarayad, Plot. (2009). Turkey & Middle East. *Frontiers of the Neo Geographic Imagination*, Australian Journal of International Relations, 67.
- Cetinsaya, Gokhan. (2007). Iranian-Turkish Relations. *Turkish Review of Middle East Studies*, 26.
- Keskin, Aref. (2008). Iran-Turkey Relations. *Strategic Analysis*, 9.